

مدعیات جدید داعش درباره ایران و تشیع

دکتر داود غرایق زندی*

اشاره:

نشریه جدید دابق وابسته به گروه هراس‌پرور داعش در شماره ۱۳ خود مدعیاتی در قبال ایران و تشیع مطرح کرده است که در نوع خود تاکنون بی‌سابقه بوده است. این شماره نه تنها بیشترین میزان تمرکز خود را به ایران داده بلکه در ارائه دیدگاه‌های خود سعی کرده از مدعیات تاریخی، مذهبی و سیاسی بهره گیرد. این بررسی نشان خواهد داد که تمام مدعیات داعش در این مورد علاوه بر بی‌اساس بودن، ناسازگار و متناقض با دیدگاه‌ها و رویه این گروه است. در واقع داعش چیزی را نکوهش می‌کند که خود مبدع و مروج کنونی آن است.

مقدمه

شماره ۱۳ نشریه دابق در دی‌ماه ۱۳۹۴ مصادف با ربیع‌الاول ۱۴۳۷ هجری قمری در ۵۶ صفحه به چاپ رسید. از این تعداد ۱۸ صفحه کامل این نشریه به ایران و تشیع اختصاص دارد. همان‌طور که از عنوان این شماره برمی‌آید «رافضی‌ها: از ابن سبأ تا دجال» تأکید و تمرکز خود را بر موضوع ایران گذاشته است و دو مطلب یکی با عنوانی که روی جلد دارد، در صفحات ۳۲-۴۵ آمده است و دیگری با عنوان «دشمنت را بشناس: صفویه چه کسانی هستند؟» در صفحات ۱۰-۱۲ آورده شده و صفحه آخر دابق نیز به اصفهان محل برآمدن دجال همراه با نقل قولی از حضرت رسول (ص) آمده است.

تمرکز و تأکید داعش بر ایران از دو منظر قابل بررسی است: از یک منظر فعالیت‌های ایران علیه داعش منجر به صدمه

و ضربه سختی به این گروه شده است و این امر باعث واکنش داعش شده و احتمال واکنش عملیاتی نیز در این رابطه وجود دارد. بر این اساس در طی دو سال اخیر مراقبت‌های بسیاری در مورد اقدامات داعش صورت گرفته است اما به نظر می‌رسد سطح هشدار و هوشیاری در شرایط کنونی باید افزایش یابد.

از منظر دوم داعش مدعیاتی در مورد ایران و تشیع و امامان شیعی مطرح می‌کند که تنها خاص این گروه هراس‌پرور نیست بلکه زمینه‌ها و ریشه‌های تاریخی و معاصر نیز دارد و پیش از این نیز توسط برخی از مقامات کشورهای عربی طرح شده است. لذا پرداختن به این مدعیات می‌تواند پاسخی به بسیاری از مباحث باشد و به نوعی پاسخ متقن به آن باعث کاهش آن در آینده خواهد شد. مطالبی که داعش در مورد ایران و تشیع مطرح کرده است، سه منظر بسیار مهم دارد: دعاوی تاریخی، دعاوی مذهبی و دعاوی سیاسی. بررسی مدعیات داعش در این زمینه به دو روش مقدر است: روش نخست این است که اصل و کم و کیف این مدعیات و اعتبار و استنادات آن مورد بررسی جدی قرار گیرد که این کار در حوصله این ماهنامه و این قلم نیست. روش دوم که در اینجا مورد توجه است بررسی تناقضات درونی مطالب مطرح شده، است. این نوشتار بر این باور است که مدعیاتی که داعش در مورد ایران و

تشیع گفته بیش از آن که در مورد ایران صادق باشد، در مورد خود این گروه تکفیری قابل طرح است. در نشان دادن این ناسازگاری و تناقض، از استدلال‌های مورد استفاده در همین شماره از نشریه دابق استفاده می‌شود.

دعاوی داعش در قابل ایران و تشیع

همان‌طور که اشاره شد داعش سه دعوی در قابل ایران و تشیع به کار برده است: تاریخی، مذهبی و سیاسی. در این نوع دعاوی سعی کرده تا یک روایت جعلی و منسجم از ایران و تشیع در ایران نشان دهد. در این روایت‌ها داده‌ها به صورت گزینشی و با استناد به منابع سنی و شیعی و آیات قرآنی و حتی سفرنامه‌های اروپاییان مورد استناد قرار می‌گیرد.

مهم‌ترین دعاوی تاریخی داعش عبارتند از:

- داعش ادعا می‌کند ایران تداوم امروزین رویکردها و اعمال دولت صفوی است. دولت صفوی بر زبان فارسی و فرهنگ ایرانی تأکید داشته است تا زبان عربی و فرهنگ اسلامی.
- دولت صفوی رفتار بسیار خشن و نامعمولی با پیروان اهل سنت داشته است و این رفتار غیرمتعارف باعث شده تا درگیری و قتل و کور کردن برادران و فرزندان ذکور در این سلسله در نهایت آنها را به نابودی بکشاند.
- دولت صفوی اکثریت اهل سنت را در فارس، شرق عراق و خراسان تحت آزار و اذیت قرار داد و آنها بین ماندن و تغییر مذهب و کشته شدن یا هجرت یکی را باید انتخاب می‌کردند. داعش مدعی است این حوزه زمانی محور دانش علمایی همانند البخاری و مسلم و مفسرینی همچون طبری، بغدادی و فقهایی نظیر مروزی و ابن‌منذر بوده که پاکسازی شده است. این گروه از این ادعا به این نتیجه می‌رسد که این روال در حال حاضر نیز در ایران مطرح است.
- داعش ادعا دارد صفویان، به جای علمای اهل سنت رانده شده، علمایی از لبنان، بحرین و عراق وارد کرد که مشهورترین آنها علی بن حسین کرکی است. هدف صفویان از این کار ایجاد یک فرقه جدید و گماشتن این علمای جدید در بالاترین مقام رسمی مذهبی یعنی شیخ الاسلامی برای توجیه کارهای خود علیه اهل سنت بود.
- در نهایت داعش مدعی شده است که روال صفویه در

- دوره‌های بعدی تاریخی ایران یعنی نادرشاه افشار، زندیه، قاجاریه، پهلوی و جمهوری اسلامی دنبال شده است و تمام نظام‌های سیاسی در ایران از باورهای صفویان حمایت کردند و پادشاهان و علمای آنها را تکریم کرده‌اند. این نشان می‌دهد که ایران در شرایط کنونی همان راه و روش را دنبال می‌کند.
- داعش در بخش مذهبی این ادعاها را مطرح می‌کند:
- صفویان پیرو گرایش‌های خاصی بودند که در اسلام کفر است. گرایش صوفی‌گری، معتقد به الهام از غیب، عرفان غنوصی (یونانی یا یونانی‌مآبانه) و تجسم روح خدا (برگرفته از مسیحیت) مورد حمایت صفویان بوده است و این نوع باورها عمدتاً ریشه‌های پیشاسلامی دارد.
- اذان در دوره صفویه تغییر داده شد و **أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ** به آن اضافه شد.
- شیعیان ابوبکر، عمر و عثمان را لعن می‌کنند و عایشه زن رسول‌الله را علی‌رغم تأکید قرآن کریم در سوره نور آیات ۱۱ تا ۲۶ مورد صفات ناروا قرار می‌دهند.
- آیین‌ها و شعائر زیارت قبور و مرقدها و برگزاری تعزیه‌ها و آداب آن از سوی ایرانی‌ها انجام می‌شود که کفرآمیز و شرک است.
- شیعیان دوازه امامی نوعی تفکر فئاتیک و خطرناک مبنی بر برتری امامان از رسول‌الله (ص) و حتی خداوند دارند. بر این مبنا امامان



- داعش معتقد است که شیعیان از ابتدا نیز اسلام نیاوردند و حتی از اسلام متنفر بودند ولی به خاطر ترس از جانشان بر اساس «اصل فقهی تقیه» در زیر سایه اهل سنت و مسلمانان زندگی کردند تا این که شرایط مناسبی برای آنها فراهم شده و با قدرت گیری در زمان صفویان مکونات درونی خود را بروز دادند و در صدد پاکسازی اهل سنت هستند.

- داعش معتقد است شیعیان و ایرانیان به دنبال تصرف سرزمین های اعراب بوده و برای این کار با صلیبیون یا مسیحیان همکاری می کنند. مصداق آن به کار گیری آنتونی و رابرت شرلی در دربار شاه عباس برای مدرنیزه کردن ارتش برای ایجاد سلطه بر کشورهای عربی بوده است.

- در نهایت دابق سعی دارد نشان دهد که جایگاه یهودیان در میان مسیحیت همانند جایگاه شیعیان در میان مسلمانان است و با این کار ایران و اسرائیل را دشمن مشترک اعراب و اسلام نشان دهد. در متن دابق دو عکس وجود دارد که نشان می دهد دو نفر روحانی شیعی در حال تقدیم دسته گل برای شهدای یهودی در جنگ ایران و عراق هستند و این را نشانه پیوند یهودیان و شیعیان می داند. همچنین برای مثال در بخشی از دابق به نقل از الشعبی (مرگ ۱۰۴ هجری) از کتاب السنه ابوبکر خلال آمده است: «من به شما علیه پیروان گرایشات انحرافی هشدار می دهم و بدترین آنها رافضی ها هستند زیرا آنها یهودیان امت هستند. رافضی ها از اسلام متنفرند همانند یهودی ها در مسیحیت، آنها نیز به خاطر خداوند یا ترس از او اسلام را نپذیرفته اند، بلکه برای صدمه زدن اسلام آوردند. عبادت شان مورد قبول نیست. حتی حضرت علی (ع) آنها را زنده سوزاند و مهاجرت داد. در میان آنها عبدالله بن سبأ بود که به صنعا فرستاده شد... یهودیان از جبرئیل متنفرند و می گویند او در میان فرشتگان دشمن شان است و رافضی ها هم همین طور. همچنان که برخی از آنها مدعی اند که جبرئیل به اشتباه وحی به (حضرت) محمد (ص) منتقل کرد و به (حضرت) علی (ع) نداد».

مجموع این نکات نشان می دهد که داعش سعی دارد بر اساس این مدعیات سه گانه نوک پیکان خود را متوجه شرق و ایران کند و در ادامه اشاره خواهد شد با طرح دجال سعی دارد ایران را خطری

از نظر شیعیان اتم های کیهان را در اختیار داشته، از آینده خبر دارند و می توانند حتی قرآن را نسخ کنند. در اینجا داعش بسیاری از باورهای بهایی را به شیعیان نسبت می دهد و از آن بهره برداری سوء می کند.

- در نهایت، داعش شیعیان، ایرانیان و تفکرات امامی را رفض و پیروان آن را رافضی می خواند. در این نوع نسبت دادن مباحث کاملاً غیر واقعی مورد استناد قرار می گیرد. داعش مدعی است این تفکر از ابن سبأ شروع شده و سپس عده ای از آنها به نزد زید بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب (ع) رفتند و از ایشان خواستند که از ابوبکر و عمر برائت بجوید که با نپذیرفتن وی، آنها نیز زید را انکار کردند و به رافضی مشهور شدند که به معنای رد کردن و نپذیرفتن است. داعش در این رابطه معتقد است که شیعیان نه تنها ابوبکر و عمر و عثمان را نمی پذیرند، صحابه را نیز نمی پذیرند، اهل سنت را رد می کنند و اساساً قرآن و اسلام را قبول ندارند. به عبارت دیگر داعش، شیعیان را کافر می داند که معادلی برای آن به کار می برد که در نوع خود جدید بوده است و اعتقاد دارد که شیعیان «کافر اصلی» هستند و کافر اصلی و رافضی با رد اسلام و قرآن از دین خارج شده و «مرتد» شده اند.

داعش مدعیات سیاسی چندی را نیز در قبال ایران و شیعیان مطرح می کند که اهم آنها عبارتند از:



برای منطقه نشان دهد؛ کاری که زمانی نیروهای بعثی و صدام در عراق در قبال ایران انجام می دادند.

پاسخ داعش به شبهات

داعش در عین حال سعی دارد در قبال انتقاداتی که به عملکرد این گروه به ویژه از طرف القاعده و طالبان مطرح است، پاسخ دهد و در متن نیز پس از طرح مباحث کذب علیه شیعیان و ایران سعی دارد تا با ارائه طرح منهاج زرقاوی در قبال مباحث ظواهری و رهبران طالب در افغانستان رویکرد خود را توجیه کند. محور عمده این مباحث پیرامون دو مفهوم کلیدی است: جهاد و کفر. در موضوع نخست داعش معتقد است این گفته که از طرف ظواهری و پیروانش مطرح است مبنی بر اینکه قبل از جهاد باید افراد را دعوت به اسلام کنید تا افراد بی گناه کشته نشوند و اینکه اجتناب از این کار باعث می شود درگیری در درون جهان اسلام و میان مسلمین افزایش یابد؛ در حالی که مبارزه اصلی ما با صلیبیون و آمریکاست، ناشی از آن می داند که آنها از مفهوم اصلی جهاد غافل هستند. از نظر داعش، «مخالفت با جهاد چیزی از اسلام باقی نمی گذارد. اگر غیر از این بود، بسیاری از اختلافات میان اسلام و کفر باید بدون جنگ حل می شد». بر این اساس داعش با استناد به آیه ۸۹ سوره نساء که «وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّى يُهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وِلِيًّا وَلَا نَصِيرًا» [آنان] خوش دارند که شما نیز مانند ایشان کفر بورزید و در نتیجه همانند باشید، پس هیچ کس از آنان را دوست نگیرید، مگر آنکه [همانند شما] در راه خدا هجرت کنند و اگر رویگردان شدند، ایشان را هر جا که یافتید به اسارت بگیرید و بکشید و از آنان [برای خود] یار و یاور نگیرید»، کسانی را که تنها به ظاهر و حرف، باور دارند، همانند صلیبیون و یهودیان، مشرک می خواند. در مورد کافر بودن شیعیان نیز این انتقاد توسط برخی از علمای اهل سنت به داعش وارد شده که هر کسی که به خداوند، قرآن کریم و رسول الله اعتقاد داشته باشد، مسلمان است و تنها آن شیعیانی باید رافضی خوانده شوند که باورهای خاصی نظیر برتری حضرت علی (ع) بر رسول الله را دارند. همچنین برخی از علمای اهل سنت استناد تاریخی به باورهای کسانی همانند ابن تیمیه را که در بستر تاریخی خاص طرح شده و کاربرد آن برای امروز نیست، قبول ندارند و بر این اعتقادند که در هیچ دولت اسلامی شیعیان اینگونه مورد آزار

و اذیت نبودند و لذا معتقدند داعش از این نظرات علما سوء استفاده می کند.

داعش در پاسخ به این شبهه معتقد است که باورهای تاریخی شیعیان که در گذشته بوده، همچنان ادامه دارد و آنها در حال حاضر زبده را نیز منحرف کرده اند. همچنین داعش معتقد است که اگر در قرون گذشته جهاد علیه شیعیان به درستی ادامه پیدا می کرد و به تقیه آنها (که توسط محمدباقر مجلسی در دوره صفوی مطرح شد) توجه نمی شد، در حال حاضر امت اسلامی یکدست بودند و آنها توان ضربه زدن به اهل سنت را نداشتند. از نظر داعش نادیده گرفتن باورهای شرک آمیز شیعیان ناشی از ترس برخی از علمای اهل سنت است: «برخی از سنی ها از ترس مورد هدف قرار گرفتن از سوی شیعیان و آمریکایی ها از همکاری با دولت اسلامی تن می زنند. ... بر غفلت آنها، هیچ عذری وارد نیست، لذا کشتن همه آنها اجتناب ناپذیر است». به باور داعش اگر رویه ای غیر از این مدنظر قرار گیرد، اسلام همیشه باید رویکرد تدافعی داشته و در موضع ضعف قرار گیرد و این با روح جهاد در تضاد است. در نهایت داعش معتقد است که ما با دو نوع جهاد مواجه هستیم: جهاد علیه شیعیان و آمریکاییان که جهادی آشکار است؛ اما جهاد سخت تر با دشمنانی است که به نام وحدت در صفوف اهل سنت تفرقه و فتنه انگیزی می کنند. اینها منافق بوده و در جنگ پنهان علیه مسلمانان با آمریکا همدست هستند. این نوع جهاد روش و راه آشکاری است که زرقاوی بنیان نهاد.

مجموع این مدعیات باعث شده تا داعش شیعیان را «کافر اصلی» بخواند. عبارت



غیرمتعارف پادشاهان صفوی علیه اهل سنت دارد. اگر این رفتار امر نادرستی بوده است، چرا داعش خود با روش های خشن تر و با ابزارهای جدیدتری که بهتر به کار نفرت انگیزی می آید، بر همان مسیر و منهای گام برمی دارد. هر چند ممکن است این نکته مورد اشاره قرار گیرد که داعش این اقدام را علیه اهل سنت ناصواب اما کار خود را جهاد الهی می داند. اگر این گونه به موضوع نگاه شود، منطبق این باور بدین ترتیب خواهد شد که شمشیر بر دعوت و پذیرش (الحق لمن الغلب) اولویت دارد. افراط گرایی داعش در این خصوص به گونه ای است که اگر کسی از شیعیان اعتراف به خداوند، قرآن کریم و رسول الله کند نیز به نام تقیه، مرتد خوانده می شود. این همان تفکری است که رسانه های غربی به دنبال طرح آن هستند که اسلام دین شمشیر است نه دعوت. داعش همچنان که در شماره ۷ خود آورده که اسلام دین شمشیر است، نه تنها خود نوعی بدعت خطرناک و فئاتیک را در اسلام دامن می زند، بلکه عملاً آب به آسیاب کفار و دشمنان اسلام می ریزد.

دو، تأکید بر جهاد صرف باعث می شود تا اسلام به عنوان دینی یکسره جنگ، قتال و مرگ جلوه کند. در انجام این کار داعش حتی تا کافر خواندن گروه القاعده نیز پیش می رود. این در حالی است که هیچ کس از خطر داعش در امان نیست و خداوند در قرآن می فرماید: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتُلُوا فَأَضْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَضْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ / و اگر دو طایفه از مؤمنان با هم بجنگند، میان آن دو را اصلاح دهید، و اگر [باز] یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد، با آن [طایفه ای] که تعدی می کند، بجنگید تا به فرمان خدا باز گردد. پس اگر باز گشت، میان آنها را داد گرانه سازش دهید و عدالت کنید، که خدا دادگران را دوست می دارد. (حجرات/۹) بر این اساس، با توجه به نوع نگاهی که داعش حتی به اهل سنت دارد، مقابله با داعش بیش از هر گروهی وظیفه اهل سنت است.

سه، داعش در این متن شیعیان را رافضی می خواند و آنها را تکفیر می کند و بر این مبنا از زر قوای نقل قول کرده است که «عبارت سلفیان در تکفیر رافضی معروف است»، یا از احمد بن یاسین عبارتی نقل می کنند که «اگر یهودی گوسفندی ذبح کند

مجموعی که پیش از این متعارف نبوده و در زیرنویس صفحه ۴۲ متن انگلیسی آورده که «کافر اصلی کافری است که همانند یهودیان، مسیحیان و هندوها هیچ کاری با اسلام ندارد. همچنان که کافر کسی است که زمانی مسلمان بوده و مسیحی و یهودی شده، پس مرتد است. در عین حال کفاری که اسلام را با کفر و شرک در آمیختند، نظیر رافضی ها، طواغیت، نصیری به آنها نیز مرتدین هستند».

در ادامه دابق حکم مرتدین را نیز در ۷ بند آورده و تکلیف را روشن کرده است:

- مرتد باید کشته شود خواه پس از دستگیری و یا حتی اعتراف
- مرتد نمی تواند جزیه برای ذمه دهد
- قرارداد با مرتدین مجاز نیست
- مرتدان نمی توانند برده باشند
- مرتد نباید با پول آزاد شود
- مرتد نمی تواند مشمول تخفیف باشد
- مرتد نمی تواند به اسلام باز گردد.

خلاف آمد داعش: بررسی مدعیات داعش

داعش در این متون و در عملکرد خود در چند سال اخیر نشان داد که خود بیش از همه مصداق بارز نسبت هایی است که به دیگران حتی القاعده وارد می کند. بر اساس همین متن منتشره از داعش نشان خواهیم داد که چگونه نوشتار و رفتار داعش مجموعه ای از تناقضات اعتقادی و توجیهات سست بنیاد است که بیش از همه خود این گروه هراس پرور را بازتاب می دهد.

نخست این که دابق ۱۳ در بررسی تاریخی صفویان اشاره به رفتار خشن و



سه، به نظر می‌رسد اگر داعش در عراق و سوریه زمین گیر شود، همانند گذشته که در سوریه نتیجه نگرفت و به سمت عراق نیل کرد، حرکت به سمت ایران، افغانستان و به تعبیر خودشان ولایت خراسان و آسیای مرکزی و قفقاز در دستور کار قرار می‌دهد. در این شرایط بازی خطرناکی شروع می‌شود که بحران را از منطقه به سوی ایران سوق می‌دهد. اگرچه این احتمالات، فرض‌هایی محال و دست‌نیافتنی است اما تمهیدات برای امنیت بیشتر مرزها با توجه به تلاش داعش برای نفوذ به مرزهای کشور که در نشریه این گروه تکفیری نیز مورد تأکید قرار گرفته است، باید در سیاست‌گذاری‌های امنیتی بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

و رافضی هم همین‌طور، باید از سه رافضی؛ زیرا رافضی مرتد است». بر این اساس داعش نشان می‌دهد که بیش از هر چیزی به دنبال وارد کردن نسبتی ناروا به دیگران است تا به اسم جهاد آنها را از دور خارج کرده و به اهداف خود دست یابد. این کار در قرآن کریم در آیه ۸۵ سوره بقره نهی شده است: «ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرَجُونَ فَرِيقًا مِّنْكُمْ مِّن دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِن يَأْتُوكُمْ أُسَارَى تَفَادَوْهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجَهُمْ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَن يَفْعَلْ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَى أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ/ ولی [باز همین شما هستید که یکدیگر را می‌کشید و گروهی از خودتان را از دیارشان بیرون می‌رانید و به گناه و تجاوز، بر ضد آنان به یکدیگر کمک می‌کنید و اگر به اسارت پیش شما آیند، به [دادن] فدایه، آنان را آزاد می‌کنید، با آنکه [نه تنها کشتن، بلکه] بیرون کردن آنان بر شما حرام شده است. آیا شما به پاره‌ای از کتاب [تورات] ایمان می‌آورید و به پاره‌ای کفر می‌ورزید؟ پس جزای هر کس از شما که چنین کند، جز خواری در زندگی دنیا چیزی نخواهد بود، و روز رستاخیز ایشان را به سخت‌ترین عذابها باز برند و خداوند از آنچه می‌کنید غافل نیست». در واقع در اینجا داعش با این رفتار خود نشان می‌دهد که باورها و روال تاریخی بنی اسرائیل را دنبال می‌کند؛ چیزی که در واقع خود به شیعیان نسبت می‌دهد.

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد در شرایط کنونی داعش چند هدف را از انتشار این متن دنبال می‌کند: نخست این که سعی دارد در شرایط کنونی که چندان در عراق و سوریه وضعیت مناسبی ندارد، همه اهل سنت را با خود همراه کند. لذا به روش خود که -بازی همه یا هیچ است- به دنبال توجیه رفتار خود و مشروعیت برای پیوستن به خود است. در این راه تا جایی پیش می‌رود که خواستار پیروی القاعده از خود است.

دو، داعش در این متن ضمن دادن نسبت ناروا به حضرت ولی عصر (ع) و این که اصفهان مرکز حمله به کشورهای عربی است، سعی دارد توجه کشورهای عربی را متوجه ایران کند. با این کار نه تنها توجه از اسرائیل کاسته می‌شود، بلکه به نوعی وحدت رویه در میان کشورهای عربی علیه ایران ایجاد می‌کند.

